







بحثِ «ازدواج» و حواشی آن.

«جلسه چهارم ۱۲ اسفند ۹۹»

پیش اول:



عواملِ «مشوَّق» مجرّدین برای ازدواج؟

عامل اول:

تقویتِ «**عقلانیت**» و «**منطق**» و «**اراده**» در فرزندان.

عامل دوم:

تلاش برای «**خودشناسی**» آنها، اینکه هر نفر، **۲** **مَن** دارد.

عامل سوم:

طرح آیاتِ **قرآن** برای تقویتِ **ایمان** و **آخرت‌نگری** آنها.

عامل چهارم:

نگاه به **آینده** و ایجادِ **شوق** «زندگی مستقل» در آنها.

پیش دوم:



« موانع » از دواجِ « اسلامی » کدامند؟

« مانع » اول:

مانعِ اول: « غفلت » از: ۱- « نیازها »، ۲- « توانایی‌ها »، ۳- « امکانات »،
۴- « خطرات »، ۵- « نقش؟ » و مسئولیت؟، ۶- « تعهد؟ » و تحوّل؟ خود.

مانعِ دوم: روشن نبودنِ « چرائی » ازدواج، اینکه:

در آغوش والدین ماندن بهتر است؟	یا مستقل شدن و شروع زندگی؟
برای داشتنِ « بهترین همسر؟ »	یا برای « بهترین همسر داری؟ »
برای « آدم کردن همسر؟ »	یا برای « انسان شدن خود؟ »
برای « زیبا دیده شدن خود؟ »	یا برای « دیدن زیبایی‌های همسر؟ »
برای « به هم رسیدن » است؟	یا برای « با هم رسیدن » است؟
« با هم » اوج گرفتن؟	یا « برای هم » بودن؟

« مانع » سوم:

« دخالتِ والدین با: »

« سختگیری و تحمیلِ عادات و رسومِ خود. »

چرا والدین

در ازدواجِ فرزندان **دخالت** می کنند؟

چون « **نگران** » آینده آنها هستند.

« نگرانی » از اینکه:

« دختر » یا « پسر » آنها

توسط:

« عروس » یا « داماد », « بدبخت » شود.

در حالی که هیچ زن و شوهری،

عاملِ «**بد** وقتی یا **خوش** وقتی»

یکدیگر نمی‌شنوند.

زیرا « کارنامه و سرنوشت »

و « خوشبختی و بدبختی »

و « بهشت و جهنم^۳ » هر فردی

از منظر قرآن،

« فقط » تابع

« نیت و گفتار و رفتار و اخلاق »

و « مواضع اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، ... »

« خودِ هر فرد » است.

لذا در قیامت به هر فرد گفته می‌شود:

اقْرَأْ كِتَابَكَ

كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا (اسراء/۱۴)

حتّی « شیطان » هم کمترین

« تسلّطی » بر انسان ندارد.

پس « گفتار و رفتارِ **غلط** و **آینده** هر فرد »،

هیچ ربطی به:

خواستِ شیطان یا خواستِ زن یا خواستِ شوهر،

یا وراثت، محیط، رفیق، **شانس**، طلسم و غیره،

ندارد.

پس والدینِ **عاقل** و **مؤمن** و اهلِ **توکل** به خدا،

هرگز نباید نگران باشند.

بلکه باید مطمئن باشند که «عروس یا داماد»،

«امکان ندارد» بتواند «فرزندِ مختارِ» آنها را

«**منحرف**» و یا حتی به او «**ظلم**» کند.

پیش سوم:



« ۲ اشتباهِ بزرگ » در « ازدواج »:

« اشتباهِ » اول:

به نظر شما « والدین و مجردین » محترم،
چند درصد از « تمام دانشجویان کشور »،
از « رشته تحصیلی » خودشان،
« راضی » هستند؟

چرا اُکثراً «راضی نیستند»؟

زیرا « والدین و تمام مشاورین »،

و « مسئولین سازمان سنجش »،

بارها به قبول شدگان کنکور توصیه می کنند:

« رشته مورد « علاقه خود را انتخاب کنند.

هر « حیوانی »،

اگر به « هر چیزی »

« علاقه » پیدا کند،

برای همیشه به آن « عادت » می کند.

در حالی که

« **علاقه** به **هر چیزی** برای **انسان** »،

فقط برای « **چند ماه** » دوام دارد،

و خیلی زود « **تغییر** » می کند.



« راهکار اسلام »

برای آنکه «علاقه» مبنای «انتخاب» نباشد، چیست؟

« مشرک » با « مشرک »

« مؤمن » با « مؤمن »

وَالْخَيْثَاتُ لِلْخَيْثِينَ

وَالْخَيْثُونَ لِلْخَيْثَاتِ

وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ

وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ (نور/٢٦)

و این یعنی:

اصلِ «**کفویت**».

« اشتهاء » دوم:

تلاش برای:

« شناختِ طرفِ مقابلِ »

وقتی پس از سالها زندگی،

« **خودمان** » را « **نمی شناسیم** »

آیا می توانیم

« **دیگران** » را « **بشناسیم** »؟

وقتی پس از سالها « با هم » بودن،

« شناختِ والدین » را « قبول نداریم »

آیا می‌توانیم با چند روز یا چند ماه،

فردِ « دیگری » را « بشناسیم »؟

آیا « معاشرت » عاملِ « شناخت » است؟

آیا « استخاره » عاملِ « شناخت » است؟

آیا « مشاوره » عاملِ « شناخت » است؟

آیا با « **معاشرت** » می‌توان:

افرادِ « **نفوذی** » و جاسوس را شناخت؟

آیا با معاشرتِ « **امروز** » افراد،

می‌توان مواضعِ « **فردای** » آنها را فهمید؟

اگر « **معاشرت** » عاملِ « **شناخت** » است،

پس چرا افرادی که

قبل از ازدواج **معاشرت** بیشتری دارند

قهر و « **طلاق** » آنها

خیلی « **بیشتر** » از افرادِ معمولی است؟

سؤال:



پس چگونه به «اعتماد» برسیم؟

تنها شرطِ « قابلِ اعتماد » بودنِ انسان؟

افراد بسیار زیادی در طول زندگی،

بر « **خلافِ اعتقادات** » خودشان عمل می کنند

اما افرادِ عاقلی که به « **ایمانِ قلبی** » رسیده،

و نسبت به « **خالق** » خود، « **متعهد** » شده اند،

به راحتی، « **متزلزل** » نمی شوند.



آن روز که یکدیگر را یافتیم،
یافتنمان هنر نبود.

هنر این است که یکدیگر را گم نکنیم...

« مسابقه » برای جلسه بعد:

۱- « **چگونه** » می‌توان

« **تعهد** » دیگران را کشف کرد؟

۲- « چگونه » می‌توان از دیگران

« جلب اعتماد » کرد؟

خدایا؛

موجباتِ «ازدواجِ عاقلانه»

و «زندگی مومنانه»

و «زندگی عاشقانه» را

برای تمام مجردين «با اراده و مؤمن» فراهم فرما.

السلام عليكم و
رحمة الله وبركاته

